

از راه‌های ساده‌تری به نتیجه می‌رسند و معمولاً هم همان‌که می‌گویند درست از آب در می‌آید. به هر حال پس از اینکه در آذرماه سال ۷۷ خبر کشته‌شدن داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری پخش شد همه فکر کردند آنان را آدم‌هایی از وزارت اطلاعات کشته‌اند، بعداً وقتی جسد محمد مختاری و محمد جعفر پوینده پیدا شد این اظهارات بیشتر گفته شد. اما چون در ایران معمولاً موضوع اصلی - مخصوصاً مرگ - را با کمی طول و تفصیل به آدم خبر می‌دهند به ترتیب آشنایان مقتولان، دوستان آنان، سارقان و خلافکاران، گروهک‌های سیاسی ابتدا به عنوان قاتل معرفی شدند، بعداً گفته شد آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، اسرائیلی‌ها قاتل هستند. بعداً وزارت اطلاعات اعلام کرد که گروهی از عوامل خودسر - که تصادفاً در سطح مدیر کل و معاون وزارتخانه بودند - این افراد را به قتل رساندند. ظاهراً این افراد در

جریان قتل جاهای مختلفی را دور زده بودند و گویا در حین دورزدن این جاها به دیگران اتهام زده بودند و اطلاعاتیه‌هایی تحت عنوان «فدائیان اسلام ناب محمدی مصطفی نواب» صادره کرده بودند. علت این همه تأکید بر اسلامیت گروه در نام آن، ظاهراً این بود که قاتلان قصد داشتند هم فدائیان اسلام را خراب کنند، هم اسلام ناب را و هم پیغمبر خدا (ص) را.

### حمله به اتوبوس آمریکایی‌ها

همزمان با جریان قتل‌های آذرماه سال ۷۷ گروهی به اتوبوس حامل تعدادی آمریکایی که با اجازه دولت وارد ایران شده بودند، حمله کردند. این امر در جهان انعکاس وسیعی داشت چون نشان می‌داد میزان دموکراسی در حکومت ایران تا چه حد وسیع است. گروهی از آمریکایی‌ها دعوت می‌کردند و گروهی دیگر

آنان را کتک می‌زدند. شاید همین امر جواد لاریجانی را وادار کرد که بگوید: «اگر افلاطون هم وزیر خارجه ایران بشود با این نیروها کاری نمی‌تواند بکند.»

### وارونگی هوا

در سال ۷۷ تنها مشکلی که برای مردم ایران به وجود آمد و ریشه آن مستقیماً در عملکرد محافظه کاران نبود، وارونگی هوا و رسیدن آلودگی هوا به ۶ برابر حد مجاز بود. این میزان آلودگی یکی از رکوردهای کم سابقه‌ای بود که فقط در کشوری مثل ایران می‌توانست رخ بدهد. در نتیجه دولت برای چند روز مدارس را تعطیل کرد و قرار شد رفت و آمد ماشین‌ها یک روز در میان اتفاق بیفتد. روزهای فرد ماشین‌هایی که شماره آنها به رقم فرد ختم می‌شد به خیابان آمدند و روزهای زوج ماشین‌هایی که شماره آنها به رقم زوج ختم می‌شد. علت این امر شاید این

بود که برنامه کنترل ترافیک دست محافظه کاران نبود، چرا که اگر آنان در این کار دخالت داشتند قطعاً برای آزار دادن مردم اعلام می‌کردند که روزهای فرد ماشین‌هایی به خیابان بیایند که شماره آنها به رقم زوج ختم بشود.

### اسدالله بیات زندانی شد

اسدالله بیات یکی از چهره‌های شاخص جناح اصلاح طلب که هیچ بهانه دیگری برای زندانی شدنش وجود نداشت به دلیل برخی جرایم اقتصادی زندانی شد.

### خرداد و صبح امروز منتشر شدند

در پی تعطیلی روزنامه توس روزنامه‌های «خرداد» توسط عبدالله نوری و «صبح امروز» توسط سعید حجاریان منتشر شد. انتشار این دو روزنامه نشان داد

که توقیف کردن روزنامه‌ها بهترین راه برای رشد مطبوعات در ایران است. و ثابت شد که این اقدام نیز مانند تمام اقداماتی که محافظه کاران در ۲۰ سال اخیر در ایران انجام داده‌اند به نتیجه نرسیده است. سؤالی در ذهن جهانیان شکل گرفت: «چطور ممکن است گروهی بتواند کاری کند که هیچکدام از اقداماتش به نتیجه نرسد؟»

### دی شیخ گرد شهر همی گشت با چراغ

در دی‌ماه سال ۷۷ وزارت اطلاعات اعلام کرد که عوامل خودسر این وزارتخانه در قتل‌ها نقش داشتند. چند روز بعد حسینیان که بعدها از قاتلان دفاع کرد، اعلام کرد که جناح چپ وزارت اطلاعات عامل قتل‌ها بوده‌است. وی طرفداران رئیس‌جمهور را در وزارت اطلاعات متهم کرد که طرفداران رئیس‌جمهور را کشته‌اند. با توجه به پخش این برنامه از صدا و سیما

از ورود علی لاریجانی به جلسه هیأت دولت جلوگیری شد. علی لاریجانی بعداً از پخش این برنامه عذرخواهی کرد. قرار شد مسئولان پخش برنامه تنبیه بشوند ولی تنبیه نشدند و به کارشان ادامه دادند.

### امام جمعه اصفهان کتک خورد

اینکه کسی در خیابان کسی را کتک بزند چیز عجیبی نبود. اینکه کسی در نماز جمعه کسی را کتک بزند هم نه عجیب بود، نه بی‌سابقه. اما اینکه کسی پیدا بشود که در نماز جمعه امام جمعه را کتک بزند سابقه نداشت. و البته آنچه عجیب‌تر از همه بود اینکه کسی این کارها را بکند و کسی کاری به کارش نداشته باشد. به هر حال امام جمعه رسمی اصفهان که رسماً از سوی رهبری به عنوان امام جمعه تعیین شده بود از طرف کسانی که خودشان را فدایی رهبری می‌دانستند کتک خورد و آب از آب تکان نخورد.

## اوج آلان، مهم‌ترین موضوع در ترکیه

در پی اوج‌گرفتن مسئله کردها در ترکیه «اوج آلان» رهبر کردهای ترکیه فراری شد. دولت ترکیه برای یافتن او اقدامات گسترده‌ای را آغاز کرد. وی با تلاش نیروهای امنیتی این کشور سرانجام دستگیر و به ترکیه بازگردانده شد و به زندان افتاد.

## انتخابات شوراها

در زمستان سال ۷۷ مسئله انتخابات شوراها اوج گرفت. پینگ‌پنگ اظهارنظر و مصاحبه میان هیأت نظارت شورای نگهبان و وزارت کشور با رقابت تنگاتنگ موحدی ساوجی - مصطفی تاج‌زاده به اوج خود رسید. هر دو طرف با لجاجت تمام بر مواضع خود پافشاری کردند. سرانجام انتخابات با حذف گروهی از کاندیداها و به نفع جبهه دوم خرداد پایان یافت.

## حمله به خرداد

گروهی مهاجم با بمب به روزنامه خرداد حمله کردند. در این تهاجم شیشه‌های روزنامه شکست و چند نفر زخمی شدند. مطابق معمول مهاجمان دستگیر نشدند. روزنامه خرداد هم بلافاصله توقیف نشد، چون هنوز کسی از آن روزنامه شکایت نکرده بود.

## بورقانی استعفا داد

احمد بورقانی شجاع‌ترین و سنگین‌ترین وزنه فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی پس از یک دوره طلایی اداره مطبوعات کشور پس از اینکه پیشنهادات سازنده‌ای به قاضی دادگاه مطبوعات داد و جایگاه ویژه‌ای برای قاضی دادگاه در درون معاونت مطبوعات مشخص کرد، در تفاهم کامل با وزیر ارشاد خانه‌نشین شد. در میان دو شخصیت مهمی که در مطبوعات سال ۷۷ فعال بودند - یعنی قاضی مرتضوی و احمد بورقانی -

تمام مطبوعات ایران به نیکی از بورقانی یاد کردند. شعبان شهیدی پس از بورقانی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد شد. او همان سیاست‌های بورقانی را دنبال کرد، چون کار دیگری نمی‌شد کرد.

### **سید هادی خامنه‌ای در قم کتک خورد**

در پس عادت روحانیون به کتک‌خوردن و خشونت‌طلبان به کتک‌زدن تعداد روحانیون کتک‌خورده سال ۷۷ از مرز ۳ نفر گذشت. به تدریج خشونت‌طلبان موفق شدند تلاش‌های نافرجام رضاشاه در اهانت و ضرب و شتم روحانیون را به نتیجه برسانند.

### **روزنامه‌ی نشاط منتشر شد**

روزنامه‌ی نشاط، ۳ ماه پس از آزادی مدیران و نویسندگان توس از زندان توسط اعضای آن روزنامه

منتشر شد. این روزنامه به سرعت جای توس را گرفت و شمس‌الواعظین سردبیر آن توانست در طول چند ماه دلایل کافی برای توقیف مجدد آن را فراهم کند. روزنامه‌ی نشاط به مدت کوتاهی پس از انتشار خوانندگان فراوانی به دست آورد.

### **صهیونیست! اوه اوه اوه**

محسن رضایی، مرد دوم شورای تشخیص مصلحت در یک اقدام بی‌سابقه افشاگرانه دخالت صهیونیست‌ها در مسایل ایران را افشا کرد. تا قبل از اظهارات وی همگان گمان می‌کردند صهیونیست‌ها در ایران از بین رفته‌اند. پس از اظهارات او مردم گفتند: «ای! پس این صهیونیست بودن ما نمی‌دونستیم.»

### **دادگاه امیرانتظام**

در یک اقدام کم‌سابقه قضایی دادگاه عباس امیرانتظام

بدون حضور متهم برگزار شد. قرار شد بعدها دادگاه وی بدون حضور قاضی نیز برگزار شود.

### انتخابات شوراها

بیست سال طول کشید تا قانون شوراها اجرا شود. کلیه کسانی که در طول بیست سال گذشته شورا را امری زائد می‌دانستند یک‌باره به این نتیجه رسیدند که «چو شورا نباشد تن من مباد». رئیس‌جمهور هم که توانایی عوض کردن مدیران موجود را نداشت، گامی بزرگ برداشت و انتخابات شوراها را اداره کرد و گروهی جدید بر سر کار آمدند. ... اما مهم‌ترین نتیجه انتخابات شوراها زندانی شدن محسن کدیور بود.

### اقتصاد در سال ۷۷

هشت سال طول کشید تا «ایشان» بتواند با ایجاد

سدها، بزرگراه‌ها، کارخانه‌ها، صنایع بزرگ و سنگین و فوق سنگین و افتتاح کلیه صنایع مهم و برنامه‌های مالی و پولی در جهت سیاست تعادلی و تک‌نرخ‌ی کردن ارز و سایر اقدامات، اقتصاد ایران را به کلی نابود کند. وقتی خاتمی سرکار آمد یکی دو سال از نابودی کامل اقتصاد ایران می‌گذشت. در این دو سال مردم به این نتیجه رسیدند که زیربنای جامعه نه تنها اقتصاد نیست، بلکه زیربنای خود اقتصاد هم کارگزاران سیاسی هستند. و اینطور بود که خاتمی وقتی رئیس‌جمهور شد تنها رئیس‌جمهوری در جهان بود که نه راه حلی برای مشکلات اقتصادی داشت و نه طرفدارانش انتظار داشتند که او مشکلات اقتصادی را حل کند. تنها کسانی که از خاتمی می‌خواستند به حل مشکلات اقتصادی بپردازد، دشمنان او بودند که تصادفاً این دشمنان همان کسانی بودند که در ده سال گذشته مشکلات اقتصادی را ایجاد کرده بودند.

اقتصاد در سال ۷۷ چنین سرنوشتی داشت؛ نه خانی آمد و نه خانی رفت. اوضاع اقتصادی ایران با همان مشکلات که در گذشته وجود داشت به عمر خود ادامه داد و ثابت شد که رئیس‌جمهوری که هیچ‌کاری برای حل مشکلات اقتصادی نمی‌کند مثل رئیس‌جمهوری است که هر کاری برای حل مشکلات اقتصادی می‌کند.

### محسن کدیور دستگیر شد

در پی پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات شوراها حجت‌الاسلام محسن کدیور دستگیر شد. پس از دستگیری وی قرار شد تظاهرات گسترده‌ای در دفاع از او توسط دفتر تحکیم وحدت برگزار شود ولی این اتفاق نیفتاد. مهاجرانی شوهر خواهر محسن کدیور برای اولین بار در طول عمر سیاسی‌اش از یک گرفتار دفاع کرد. وی به شکلی از محسن کدیور دفاع کرد که

اگر دفاع نمی‌کرد بهتر بود. کدیور بعدها در زندان رساله دکترایش را تمام کرد، از رساله‌اش دفاع کرد و توانست به کار علمی خود در دانشگاه اوین ادامه دهد.

### اگر تو حرف زده بودی، فائزه!

و بالاخره روزنامه زن منتشر شد. و این نخستین بار بود که یک روزنامه مخصوص زنان در جهان به راه می‌افتاد. همانطور که اولین بار است که در جهان ورزش زنان یک جوری برگزار می‌شود که انگار برگزار نشده‌است. به هر حال روزنامه زن به راه افتاد و طبیعی بود که وقتی به راه افتاد همه دلشان می‌خواست آن را تعطیل کنند. در این دوره فائزه هاشمی مدیر مسئول و همه‌کاره روزنامه زن موفق شد کار بزرگی کند. گروه‌های مختلف علیه او اعتراضاتی کردند، مدتی به دادگاه رفت، دو هفته خانه‌نشین شد. مورد اتهام قرار گرفت و سرانجام... نه، در سال ۷۷

روزنامه زن تعطیل نشد، بلافاصله پس از پایان سال ۷۷ روزنامه زن تعطیل شد.

### در سال ۷۷ اتفاقات بسیار مهمی افتاد

سال ۷۷ یکی از پرحادثه‌ترین سال‌های تاریخ معاصر ایران بود. شاید اگر این ویژگی نبود من و نیک‌آهنگ کوثر به فکر این نمی‌افتادیم که این کتاب را منتشر کنیم.

ماجرای آنجا شروع شد که نیک‌آهنگ کوثر به‌جدا تصمیم گرفته بود کاریکاتورهایش را در کتابی چاپ کند. من از او خواستم که این کار را با هم بکنیم. ابتدا قرار شد تمام آثار کوثر به کتاب در بیاید، اما بعداً دیدیم بهتر است موضوع محدود و کوچک بشود. موضوعی که انتخاب شد اتفاقات سال ۷۷ بود. کوثر کاریکاتورهایش را از این روزنامه و آن روزنامه و مجلات جمع کرد و من براساس همان کاریکاتورها

برای او نوشتم. البته قرار شد من خیلی هم در بند کاریکاتورهای او نمانم و من نیز تقریباً به صورت باز و بدون محدودیت برای نوشتن اقدام کردم. وقتی صفحه‌بندی کتاب تمام شد خودمان از کارمان خوشمان آمد. فکر کردیم برای سال آینده هم کتاب دیگری منتشر کنیم: در سال ۷۸ اتفاق افتاد.

سید ابراهیم نبوی



## فصل ۱

### کرباسچی و سال پلنگ

www.KetabFarsi.com

## سال پلنگ

چطور می‌شود به یک موجود درنده‌خسونت طلب پیام دوّم خرداد را حالی کرد؟  
همزمان با طرح این سؤال سال پلنگ آغاز شد.  
پلنگی از راه دور سر رسید و گاوی را بلعید.  
سالی که نکو بود از بهارش معلوم شد.

... کتک!..... کی نیست به این  
بابا، پیام آفرداد روحانی نشانه





## همه چیز با کرباسچی شروع شد

- غلامحسین کرباسچی مدیر خوبی بود.
- او یک کارگزار سابقه دار و سازنده بود.
- او نشان داد که علی رغم زحمات بسیاری از مدیران محافظه کار، می توان شهر تهران را ساخت.
- او کشتارگاه را خراب کرد و به جای آن فرهنگسرا ساخت.
- او پل، خیابان، بزرگراه و خیلی چیزها را ساخت.
- اما، او یک اشتباه بزرگ تاریخی هم مرتکب شد:
- درست زمانی که باید مردم فرد دیگری را انتخاب می کردند. خاتمی انتخاب شد.
- و کرباسچی به نفع خاتمی تبلیغات می کرد.
- او درست به کسی کمک می کرد که مردم او را دوست داشتند و این اشتباه بزرگی بود.

### بنابراین

- معلوم شد که کرباسچی مدیر بدی است.
  - معلوم شد قبل از انقلاب با ساواک همکاری داشته است.
  - معلوم شد نه تنها تهران را نساخته بلکه آن را خراب کرده است.
  - معلوم شد غارتگر بیت المال است.
- اینطور بود که در اولین روز سال ۷۷ کرباسچی به زندان رفت. و اولین دور سیاست سکوت در سال ۷۷ آغاز شد.

## در فواید نظام برده‌داری

همیشه در دنیا آدم‌هایی هستند که می‌سازند.

همیشه در دنیا آدم‌هایی هستند که خراب می‌کنند.

همیشه در دنیا آدم‌هایی هستند که آدم‌هایی را که می‌سازند خراب می‌کنند.

□ □ □

- من فکر می‌کنم نظام برده‌داری گاهی می‌تواند یک نظام مفید باشد. مثلاً:

۱ - میزان خساراتی که محاکمه‌کنندگان کرباسچی معتقد بودند وی به نظام وارد کرده، محاسبه می‌شد.

۲ - قیمت کرباسچی به دو برابر همان میزان تعیین می‌شد.

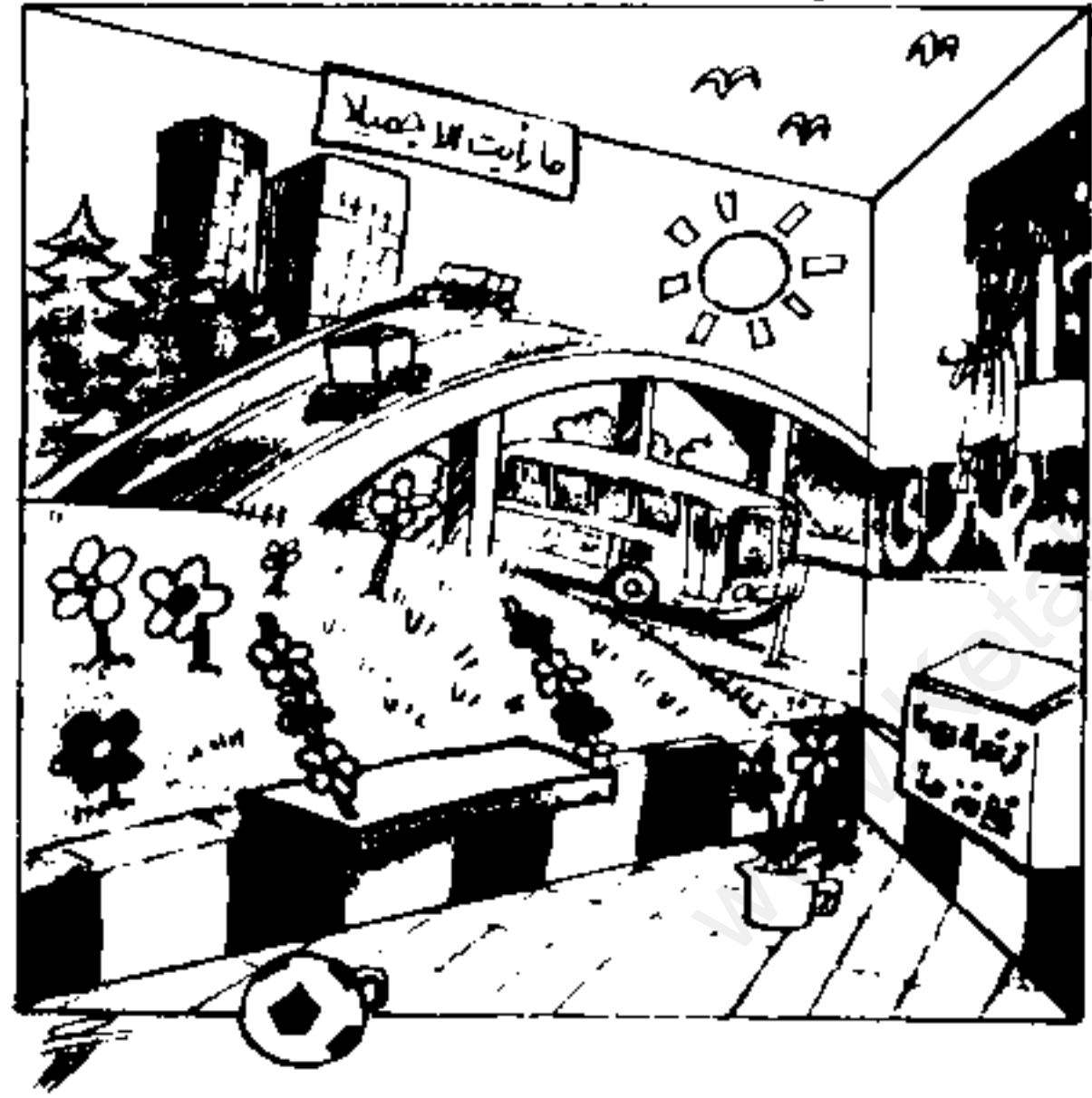
۳ - مزایده‌ای در یک بازار بین‌المللی با شرکت کشورهایایی که شهردارها را به جای زندانی کردن بکار می‌گیرند، برگزار می‌شد.

۴ - کرباسچی به بالاترین قیمت فروخته می‌شد.

قبل از کرباسچی ...



بعد از کرباسچی ...



ببینم، رفیق، دوستی،  
چیزی... نداری بیای بیرون؟!



www.KetabFarsi.com



## رفیق بد و دوست خوب

اگرچه رفیق بد در زندانی شدن خیلی‌ها نقش داشته است، اما از نقش رفیق خوب مخصوصاً رفیقی که دوست آدم باشد در آزاد کردن افراد نمی‌شود صرف‌نظر کرد. وقتی کرباسچی به زندان افتاد مردم و مخصوصاً کاریکاتوریست ما در کمال سادگی و صداقت فکر می‌کردند کار به این سادگی‌هاست که مثلاً یک رفیق یا یک دوست یا یک رفیق دوست بتواند کرباسچی را از زندان بیرون بیاورد، امّا ...

رای دلرگاه با تأخیر اعلام خواهد شد...

ما نفهمیدیم اینجا  
دالرگاه یا غرورگاه!



## کاریکاتور نیست بی مزه

همیشه یک کاریکاتور نیست، بخصوص کاریکاتوریستی که هر روز کاری را عرضه می‌کند نمی‌تواند بامزه باشد. من قطعاً دوستی عمیق و شفاف با آقای نیک آهنگ کوثر دارم. ولی به هر حال یک دوست خوب الزاماً همیشه بامزه نیست.

## فیل‌ها هم محاکمه می‌شوند

اگر روزی فیلتان یاد هندوستان کرد به یاد بیاورید که هندی‌هایی که شطرنج را اختراع کردند اینقدر وابسته به فیل‌ها بودند که ترجیح می‌دادند به جای زندگی کردن در شهرها در روستا زندگی کنند. شاید به همین دلیل هم به جای شاه و وزیر، شهردار و رئیس شورای شهر را در صفحه شطرنج نگذاشتند. البته در یک جامعه مدنی می‌توان رئیس شورای شهر و شهردار را در صفحه شطرنج قرار داد.

### در این حالت چطور می‌شود شهردار را مات کرد؟

- ۱ - یک فیل را برای بازپرسی و ترساندن شهرداران در گوشه صفحه (خانه A1) می‌نشانیم.
  - ۲ - از نیروهای ساده و با صداقت پیاده در خانه‌های C4 و خانه‌های مشابه استفاده می‌کنیم.
  - ۳ - از یک رخ که راست راست راه می‌رود، برای محاکمه استفاده می‌کنیم.
  - ۴ - بعد از فرار کلیه کارگزاران، شهردار خودش مات شده و به زندان می‌رود.
- کاریکاتوریست ما این کاریکاتور را در روزهایی کارکرد که کرباسچی را محاکمه می‌کردند و او در محاکماتش با خوش‌باوری و خوش‌خیالی سعی می‌کرد ثابت کند، خیلی آدم لایق و توانا و خدمتگزاری است. بعدها به خاطر این خوش‌خیالی زندانی شد.



## سکوت علامت چیست؟

سکوت می‌تواند:

- ۱ - علامت رضا باشد.
- ۲ - علامت نارضایتی باشد.
- ۳ - علامت مذاکره پشت پرده باشد.
- ۴ - علامت زندانی شدن باشد.
- ۵ - علامت حرف نزدن باشد.
- ۶ - علامت «حرفی برای گفتن نداشتن» باشد.
- ۷ - علامت چیزهای دیگر باشد.





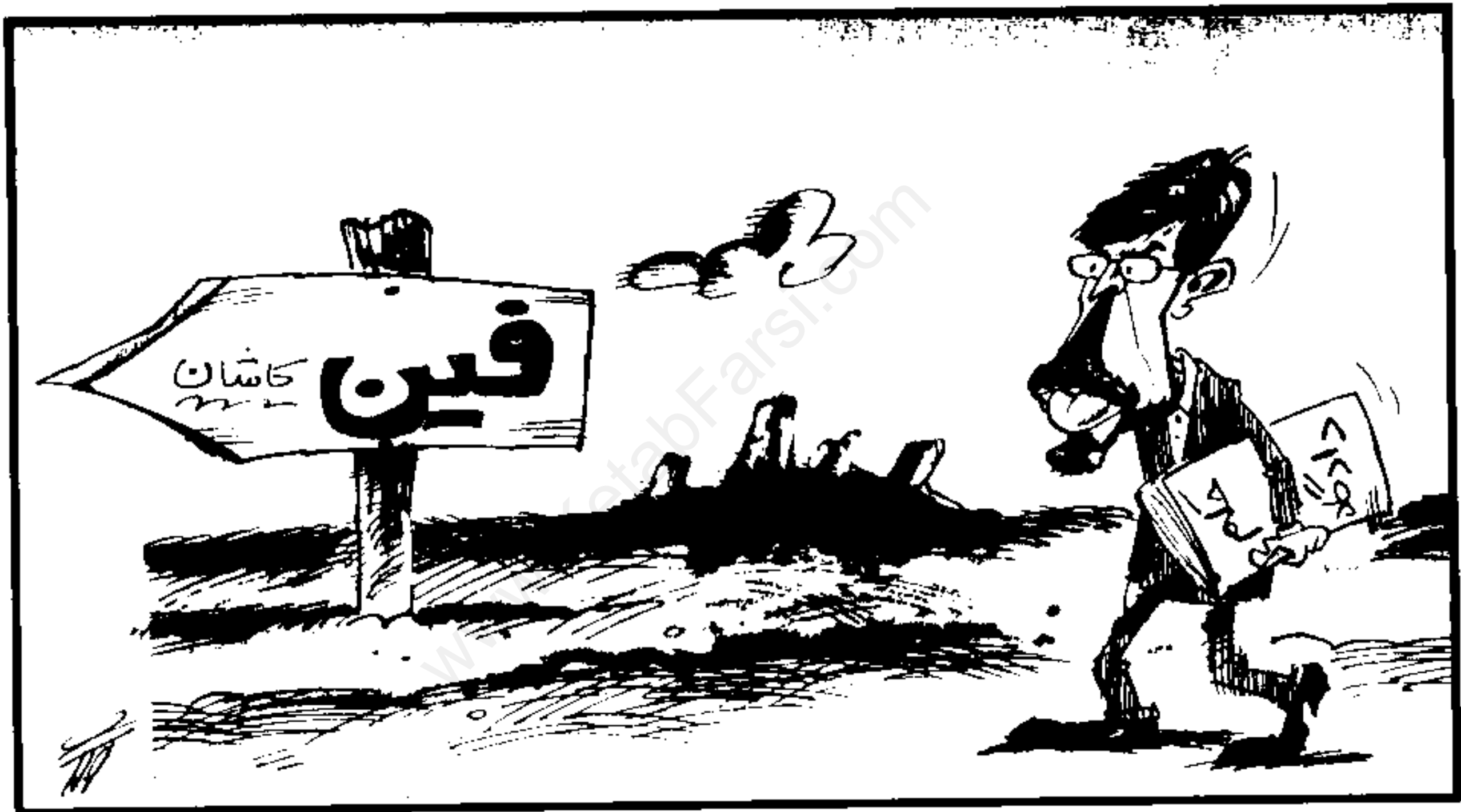


## کرباسچی و رازینی

کارگزاران وقتی قرار شد سرکار گذاشته شوند فکر کردند ممکن است بعد از اینکه سرکار گذاشته شدند مشکلشان حل شود. بعد رفتند سرکار، و آدم وقتی که سرکار گذاشته شود طبیعی است که در انتخابات شرکت فعال می‌کند. و بعد از شرکت فعال در انتخابات طبیعی است که ممکن است بیکار شود. آنها بعداً بیکار شدند. حالا این قضیه چه ربطی دارد به کرباسچی و رازینی، بماند.

## کرباسچی و امیرکبیر

- وقتی کرباسچی زندانی شد همه او را با امیرکبیر مقایسه کردند. اما کرباسچی - که به زندان رفت - و امیرکبیر - که به جای رفتن به زندان به صورت شفاف و صادقانه‌ای کشته شد - تفاوت‌های مهمی دارند:
- ۱ - امیرکبیر مرد بزرگی بود، در حالی که کرباسچی هم مرد بزرگی بود.
  - ۲ - امیرکبیر کارهای زیادی می‌کرد، در حالی که کرباسچی هم کارهای زیادی می‌کرد.
  - ۳ - در دربار ناصرالدینشاه خیلی‌ها از امیرکبیر خوششان نمی‌آمد، در حالی که در زمان کرباسچی ناصرالدینشاه دربار نداشت چون خودش هم وجود نداشت.
  - ۴ - امیرکبیر به فین رفت، اما کرباسچی به اوین رفت.
  - ۵ - امیرکبیر را با احترام روی کار آوردند، در حالی که کرباسچی را هم با احترام روی کار آوردند.
  - ۶ - سریال امیرکبیر را صدا و سیما تولید کرد، در حالی که صدا و سیما محاکمه کرباسچی را پخش کرد.
- با وجود این تفاوت‌ها یک سؤال همچنان باقی است:
- چرا بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر در طول تاریخ ... میزان مسافت آن مهم نیست ... بودند امیرکبیر را نمی‌کشتند؟



## کارگزار یا کارگذار

یک کارگزار می‌تواند کارهای مختلفی انجام دهد:

- ۱ - دوستانش را سرکار بگذارد.
  - ۲ - با کسانی که سرکار گذاشته شده‌اند، دوست شود.
  - ۳ - مردم را سرکار بگذارد.
  - ۴ - وقتی که همکارانش سرکار گذاشته شدند، سیاست سکوت را در پیش بگیرد.
  - ۵ - وقتی سیاست سکوت را در پیش گرفت، دوستانش سرکار گذاشته شوند.
  - ۶ - وقتی کرباسچی زندانی شد از او حمایت کند.
- وقتی کرباسچی در سال ۷۷ برای اولین بار زندانی شد عده‌ای گفتند این آقا خدمات زیادی در راه سازندگی کشور انجام داده‌است، کسانی که او را زندانی کرده بودند گفتند: بله، کاملاً درست است. طرفداران کرباسچی گفتند: پس چرا او را آزاد نمی‌کنید؟ مخالفان کرباسچی گفتند: دقیقاً به همین دلیل.



